

فهرست مطالب

2	فصل اول: کلیات تحقیق
2	1-1) عنوان تحقیق
2	1-2) بیان مسأله و ضرورت آن
2	1-3) پرسشهای تحقیق
2	1-4) فرضیه‌های تحقیق
3	1-5) پیشینه‌ی تحقیق
3	1-6) اهداف تحقیق
3	1-7) روش تحقیق
6	فصل دوم: کلیاتی درباره‌ی تصحیح متون
6	مختصری در باره‌ی تصحیح متون، شیوه‌ها و مراحل آن
9	روش‌های تصحیح متن
12	نکاتی که پیش از استنساخ باید بدان توجه کرد
15	روش استخراج متن از میان چند نسخه
16	نسخه بدل
16	روش ضبط موارد اختلاف
18	صورت چاپی متون تصحیحی
20	نکات تکمیلی متون تصحیحی
23	فصل سوم: پژوهشی درباره‌ی «هوسنامه» مولف و نسخه‌های آن
23	درباره‌ی نسخه خطی هوسنامه

25	شرح حال مؤلف
26	دلیل تألیف
31	سبک
32	معرفی شاعران ناشناخته و کم تر شناخته نسخه
34	بساطی
34	سید جلال عضد
34	کمال بن غیاث
35	شمس الدین مبارکشاه
35	محمد شاه انسی
35	مولانا خیالی
35	ریاضی
35	خسرو نقاش (شاید ملک قاسم نقاش منظور باشد)
36	ظهوری ترشیزی
36	عضد ایچی
37	میرکرمانی
37	شیخ کجج تبریزی
37	برهان (اگر برهان بلخی منظور باشد)
38	برهان (میرزا عبدالله نیشابوری، اگر منظور وی باشد)
38	مسیحی (شاید مسیحی فوشنجی منظور باشد)
39	شمس ناصر شیرازی

39 بدر شروانی (شیروانی)
39 کریم گنجه مهستی (مهستی)
39 آسی (شاید ملا اسمی منظور باشد)
39 هوائی
40 طوطی
40 عایشه مقریه
40 جلال الدین عتیقی
40 احمد پاشا
40 حسینی (مولانا حسینی صراف / ممکن است منظور از حسینی وی باشد)
41 فخرالدین فتح اله
41 انسی : (به این نام شاعرهای زیادی یافت شد.)
41 سلطان احمد بن اویس
42 ابن بنا (تنها کسی که به این نام یافت شد و ممکن است منظور وی نباشد.)
42 شمس گنجه (شمس اسعد گنجه ای)
44 فصل چهارم: متن «هوسنامه» اثر محمد قطب الدین ازنیقی
44 دیباچه و مقدمه مؤلف
47 باب اول - در صفت حسن و جمال
47 فصل در صفت حسن و جمال: به عبارت عربی
55 باب دوم - در صفت عشق
55 فصل اول در صفت عشق به عبارت عربی

63	فصل در صفت عشق به عبارت پارسی
69	باب سوم- در صفت موی نازنینان
69	فصل در صفت موی نازنینان به عبارت عربی
87	فصل در صفت موی نازنینان به عبارت فارسی
117	باب چهارم در صفت جبین
117	فصل در صفت جبین به عبارت عربی
118	فصل در صفت جبین به عبارت عجم
120	باب پنجم در صفت ابرو
120	فصل در صفت ابرو به عبارت عرب
127	فصل در صفت ابرو به عبارت عجم
135	باب ششم در صفت چشم
136	فصل در صفت چشم به عبارت عربی
142	فصل در صفت چشم به عبارت عجم
157	باب هفتم در صفت مژگان
157	فصل در صفت مژگان به عبارت عربی
158	فصل در صفت مژگان به عبارت عجم
165	باب هشتم در صفت غمزه
165	فصل در صفت غمزه به عبارت عربی
168	فصل در صفت غمزه به عبارت عجم
174	باب نهم در صفت رخسار

175	فصل در صفت رخسار به عبارت عرب
190	فصل در صفت رخسار به عبارت عجم
212	باب دهم در صفت بینی
212	فصل در صفت بینی به عبارت عرب
213	فصل در صفت بینی به عبارت عجم
215	باب یازدهم در صفت خط
230	فصل در صفت خط به عبارت عجم
251	باب دوازدهم در صفت خال
251	فصل در صفت خال به عبارت عربی
257	فصل در صفت خال به عبارت عجم
270	باب سیزدهم در صفت لب
270	فصل در صفت لب به عبارت عربی
279	فصل در صفت لب به عبارت عجم
297	باب چهاردهم در صفت دندان
297	فصل در صفت دندان به عبارت عرب
299	فصل در صفت دندان به عبارت عجم
303	باب پانزدهم در صفت دهان
303	فصل در صفت دهان به عبارت عرب
308	فصل در صفت دهان به عبارت عجم
316	ابیات در صفت زبان

318	فصل در صفت زنخدان و غبغب به عبارت عرب
320	فصل در صفت زنخدان به عبارت عجم
325	باب هفدهم در صفت گردن
325	فصل در صفت گردن به عبارت عجم
327	باب هجدهم در صفت بر و پستان
327	فصل در صفت بر و پستان به عبارت عرب
329	فصل در صفت بر و پستان به عبارت عجم
333	باب نوزدهم در صفت ساعد و بازو
333	فصل در صفت ساعد، دست و بازو به عبارت عرب
334	فصل در صفت ساعد و دست و بازو به عبارت عجم
338	باب بیستم در صفت انگشت و بنان
338	فصل در صفت انگشت و بنان به عبارت عرب
342	فصل در صفت انگشت و بنان به عبارت عجم
345	باب بیست و یکم در صفت قد و قامت
345	فصل در صفت قد و قامت به عبارت عرب
349	فصل در صفت قد و قامت به عبارت عجم
354	باب بیست و دوم در صفت میان
354	فصل در صفت میان به عبارت عرب
355	فصل در صفت میان به عبارت عجم
359	باب بیست و سوم در صفت ساق

359	فصل در صفت ساق به عبارت عرب
360	فصل در صفت ساق به عبارت عجم
363	باب بیست و چهارم در صفت بدن و اندام
363	فصل در صفت بدن و اندام به عبارت عرب
364	فصل در صفت بدن و اندام به عبارت عجم
367	باب بیست و پنجم در صفت ذات محبوب
367	فصل در صفت ذات به عبارت عرب
377	فصل در ذات به عبارت عجم
392	باب بیست و ششم در صفت سخن
392	فصل در صفت سخن به عبارت عرب
397	فصل در صفت سخن به عبارت عجم
412	فصل پنجم: نتیجه گیری
Error! Bookmark not defined. فهرست منابع و مآخذ	

فصل اول

کلیات تحقیق

فصل اول: کلیات تحقیق

برای آغاز هر پروژه‌ی تحقیقی، پیش از هر چیز شایسته است که کلیاتی در باب موضوع تحقیق، اهداف، ضرورت و پیشینه‌ی آن تحقیق، به استفاده‌کنندگان داده شود. در این فصل پیش از آن که به مبحث اصلی تحقیق بپردازیم به کلیات مذکور و نیز سؤالاتی که موجب پدید آمدن این رساله گردیده اشاره خواهیم کرد.

1-1) عنوان تحقیق

تصحیح انتقادی رساله هوسنامه (جمال نامه) از نیقی با تحقیق در احوال و سبک مولف

1-2) بیان مسأله و ضرورت آن

احیای نسخه‌های خطی که تاکنون به چاپ نرسیده اند از وظایف اصلی و دغدغه‌های محوری دستداران فرهنگ ایران و متخصصان زبان و ادبیات فارسی است. مجموعه‌ی هوس نامه‌ی از نیقی از این نسخه‌های خطی است که تاکنون به چاپ نرسیده و تصحیح انتقادی آن ضروری به نظر میرسد.

1-3) پرسش‌های تحقیق

با شروع و پیشروی در کار چندین سؤال مهم برای نگارنده پدید آمد که سبب اصلی نگارش این پایان‌نامه و رسیدن به پاسخ شد. سؤالات طرح شده به شرح زیر می‌باشد:

1. آیا این اثر از نمونه‌های درخور توجه ادب غنایی فارسی محسوب میشود؟

2. آیا در شناساندن شاعران گمنام و بدون دیوان کمکی می‌کند؟

3. آیا این اثر میتواند گستره‌ی ادب غنایی پیش از خود را نشان دهد؟

1-4) فرضیه‌های تحقیق

با توجه به پرسش‌هایی که در این تحقیق برای نگارنده مطرح بود، برای پاسخ‌دهی به این پرسش‌ها ابتدا فرضیاتی را در نظر گرفته شد و تا پایان کار با تحلیل و بررسی عمیق به اثبات و رد آن پرداختیم.

1. این اثر می‌تواند یکی از نمونه‌های ادب غنایی در قرن 9 باشد.

2. این اثر می تواند از گونه ی ادبی سراپاسرایی محسوب شود.

3. می تواند مجموعه ای نفیس از شعر شعرای ناشناخته و کمتر شناخته شده باشد.

4. این اثر میتواند در شناساندن برخی شاعران گمنام و بدون دیوان مؤثر باشد.

5-1) پیشنهادی تحقیق

این اثر پیش از این تصحیح و چاپ نشده است.

6-1) اهداف تحقیق

1. در این تحقیق متن بر اساس آخرین یافته های شیوه ی تصحیح متون بررسی و تصحیح می شود.

2. یکی از آثار گمنام و در عین حال قابل توجه قرن 9 در اختیار علاقمندان ادب دوست قرار می گیرد.

3. این تحقیق قصد دارد برخی شاعران گمنام و بدون دیوان را از رهگذر این اثر معرفی کند.

4. معرفی نویسنده، آثار و دوران وی از جمله اهداف این تحقیق می باشد.

7-1) روش تحقیق

در این تصحیح ما از روش انتقادی با اساس قرار دادن اقدم نسخ استفاده کردیم و نه التقاطی یا قیاسی، و همانطور که در فصل دوم توضیح داده خواهد شد، در روش انتقادی نسخه ای که اساس قرار گرفته می شود عینا در متن می آید و نسخ دیگر به هیچ وجه در داخل متن آورده نخواهد شد و تنها به عنوان نسخه بدل از آن ها استفاده می شود. مگر در جایی که نسخه اساس، افتادگی، پوسیدگی و یا صد در صد ناخوانایی داشته باشد.

ما نیز سعی کردیم تا آنجا که می شود به متن دست نبریم مگر مواقعی که واقعا نسخه اساس ناخوانا بود یا اینکه مخدوش شده و کلمه ای افتاده بود، از نسخه بدل در متن آوردیم و در پاورقی ارجاع داده شده است که این کلمه یا بیت یا قطعه از نسخ بدل آورده شده است. به عنوان مثال: مر: شد؛ یعنی کلمه «شد» در نسخ اساس افتاده بود و از نسخه بدل در متن آورده شده است.

این نسخه نیرمانند اغلب نسخ قدیمی به صورت پشت هم و بی فاصله نوشته شده بود و تمییز شعر از نثر گاهی دشوار می نمود، تنها فصل ها پر رنگ تر مشخص شده بود. ما ضمن اینکه رسم الخط فارسی امروز را در سراسر تصحیح رعایت کردیم، ابیات را به شکل سطری آورده و از متن اصلی جدا کردیم و صفات و ترکیبات مربوط به هر بیت را بالای آن بیت و به شکل و پیکره امروز درآوردیم. موارد اتصال و انفصال، سرهم و جدانویسی ها مانند: به و را، سرکش کلمات که دارای حرف «گ» و «ک» بودند، حرف «س» و «ش» که گاهی جای تردید داشت بررسی شد و سعی داشتیم تا به شکل درست درآورده شوند.

سپس اختلاف نسخ در پاورقی هر صفحه توضیح داده شده است و هر کدام با شماره ارجاع شده اند. گاهی اوقات شاعر بعضی از اشعار به خلاف گزارش نسخه اساس و یا نسخه بدل بوده است که موارد مذکور از نسخه بدل اصلاح شده و با اصل دیوان شاعر (چنانچه در دسترس بوده اند) تطبیق داده شده است و این موارد نیز در پاورقی توضیح داده شده اند.

فصل دوم

کلیاتی درباره ی تصحیح متون

فصل دوم: کلیاتی درباره ی تصحیح متون

مختصری در باره ی تصحیح متون، شیوه ها و مراحل آن¹

تصحیح انتقادی متون text criticism یکی از شاخه های مهم نقد ادبی است که هدف آن چاپ و نشر انتقادی متن های کهن از آثار به جا مانده علمی، ادبی و فرهنگی و سایر زمینه ها می باشد. در فرهنگ اصطلاحات ادبی جوزف شپیلی، تصحیح انتقادی چنین تعریف شده است: «تصحیح انتقادی هر متن کهن، یعنی آماده کردن هر کتاب منثور یا منظوم که دارای ارزشی ادبی، تاریخی یا فرهنگی است. این کار با احاطه کامل به خط مشی و روش فکری نویسنده آن اثر و رعایت مراتب دیگر انجام می پذیرد. در چنین کاری، هدف، تهیه نسخه ای خواهد بود که نزدیک ترین محصول به قلم نویسنده است.» (J. Shiply dictionary of world literary term, p.p.85-87)

منظور از نقد در این عمل در واقع مفهوم گسترده نقد نیست، بلکه منظور مراعات ضبط درست از میان نسخ متعدد یک اثر و احتمالاً قیاس در موارد لزوم است.

نقد و تصحیح به شیوه جدید پرسابقه نیست، اما شیوه وسواس و دقت در نقل مطلب در حدی که می توان آن را نظام مند دانست بین مسلمانان بی رواج نبوده است، حفظ سنن رسول الله (ص) و به ویژه حفظ امانت در آیات قرآن کریم، محور این وسواس بوده است. اما به مرور، در همین جوامع در کنار افول علاقمندی به کسب معرفت، عمل استنساخ و ضبط مطالب با تسامح روبه رو شده است. اما شیوه نوین تصحیح متون در غرب به قرن نوزدهم برمی گردد؛ آنگاه که کارل لاخمان در سال 1842 میلادی، متن عهد عتیق را منتشر کرد. سپس همین روش را در 1850 در آثار لوکرسیوس آزمود و آن روش را کامل تر و دقیق تر و آراسته تر به کار بست.

¹ - برای تحریر این فصل از اطلاعات ارائه شده در 3 کتاب زیر بهره گرفته ام:
(ثروت، منصور، روش تصحیح انتقادی متون، تهران، پایا، 1379)

(جانبخش، جویا، راهنمای تصحیح متون، تهران، میراث مکتوب، 1372)

(مایل هروی، نجیب، نقد و تصحیح متون، مراحل نسخه شناسی و شیوه های تصحیح نسخه های خطی فارسی، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، 1369)

نخستین کتاب نظری مهمی که در باب تحقیق متون نوشته شد و روش علمی کار را نشان داد، اثر براگستراسر (1886-1932م.) بود. این اثر کم نظیر حاصل سخنرانی های مؤلف است برای دانشجویان فوق لیسانس دانشگاه قاهره بین سال های 31-1932 میلادی در نحوه نقد متون.

در میان عرب ها نخستین فردی که بدین موضوع پرداخته دکتر محمد مندور است. که در دو شماره 277 و 280 مجله الثقافة چاپ قاهره به سال 1944 به صورتی موجز و مختصر از قواعد نقد متون بحث کرده است.

در ایران نخستین پژوهشگر جدی در این حوزه که به صورت علمی شیوه های نقد متون را به سبک غربیان در مورد متون ادب فارسی به کار بست می توان شادروان قزوینی دانست. او با بکار بستن آموخته هایش در فرنگ، و تصحیح متون ارزشمند فراوان، با دقتی کم نظیر و وسواس گون، سهم بسیار بزرگی در تاریخ نقد و تصحیح متون فارسی به خود اختصاص داد. دیوان حافظی که او با همکاری دکتر قاسم غنی تصحیح و منتشر کرد نقطه عطفی در تاریخ حافظ پژوهی در ایران و جهان به شمار می آید. همه اهل فن معتقدند که بهترین نسخه خطی، نسخه ای است که کامل باشد؛ بدین معنی که عنوان کتاب و همه مطالب آن به وسیله مؤلف یا به اشارت او کتابت یا به وسیله مؤلف املا و یا با اجازه وی نوشته شده باشد. برای اثبات آن که کتاب موجود همان صورت نهایی است که مؤلف آرزومند تألیف آن بوده است باید مدرک کافی در اختیار داشت. بدون وجود شواهد کافی، در انتساب اثر به صاحب آن نمی توان اصرار ورزید. حتی گاه، وجود نام مؤلف در پایان کتاب نیز دلیل بر انتساب درست اثر بر مؤلف نیست. زیرا بسیار اتفاق می افتاد کاتبی نسخه ای را استنساخ می کرد و در پایان کتاب به جای نام خود، نام مؤلف را در پای آن می نوشت.

در چنین موقعیتی است که تشخیص منتقد منوط است به هوشیاری، مهارت و آگاهی های او در باب خط، نوع کاغذ، تاریخ، لغت شناسی. اگر چنین نسخه ای یافت شود آن را نسخه مادر می نامند. و نسخه های دیگر در درجه های ثانوی و بعد از آن قرار می گیرد.

با وجود این، گاه اتفاق می افتد که همین نسخه مادر، نواقصی داشته باشد. مثلا در طول ایام و حوادث، مقادیری از آن گم شده باشد. بنابراین گاهی نسخه کامل را بر نسخه ناقص یا مفصل را بر مختصر رجحان داده اند. همچنین ترجیح نسخه خواناتر نسبت به ناخوانا.

اما بسندگی و اتکای منتقد به نسخه ای واحد، ولو از خود مؤلف بوده باشد، کافی و وافی به مقصود نیست؛ مگر آن که تمامی جستجوها ما را قانع کند که این نسخه منحصر به فرد است. پس وجود یکی دو نسخه دیگر، در جهت مقابله با نسخه مادر لازم است. این ضرورت، زمانی روی می نماید که در قرائت برخی کلمه ها و عبارت ها دچار اشکال روخوانی، اقتباس و اشکال ذو وجهی شده باشیم و اگر با افتادگی ها و پاک شدگی ها نیز در طول قرائت نسخه مادر مواجه شویم، این نیاز در جهت رفع شبهه بیشتر رخ خواهد نمود. بنابراین لزوم در اختیار داشتن یکی دو نسخه معتبر دیگر، برای هر ناقد مصحح در مسیر رفع اشکال ها ضرورت دارد.

عمده اشکال ها و اشتباه ها در نسخه های خطی از آنجا ناشی شده است که اغلب کتاب ها و نوشته ها با دستخط خود مؤلف انجام نگرفته، بلکه به واسطه کاتبان و استنساخ کنندگان انجام پذیرفته است و بیشترین و بزرگترین اشتباهات و نادرستی ها از همین جا وارد متن شده است.

از این گذشته، مرور زمان و تغییر و تحولاتی علمی، فرهنگی و سیاسی و اقتصادی که نسبت به زمان تألیف متن حادث شده، احتمالاً معانی واژه ها و اصطلاحات را دستخوش دگرگونی کرده است و در نتیجه کاتبان جدید اگر اصطلاح یا واژه ای را همساز و آشنا با زبان علمی و محاوره ای دوره خود نیافته اند، تغییراتی در آن اعمال کرده اند تا به فهم عمومی زمانه نزدیک کنند. و اما مهم ترین منبع در رفع هر نوع اشکال، کلیات خود متن و آشنایی دقیق، در حدی که مصحح متن را از حفظ شود؛ یعنی درک درست و دقیق متن. اشکال هایی که در باب: آیات قرآنی، شواهد شعری، ضرب المثل ها، احادیث، اصطلاحات، اسامی و القاب و کنیه های تاریخی، اسامی جغرافیایی و اماکن و تاریخ هاست، با مراجعه به منابع اصیل خود قابل تصحیح است.

عمل تصحیح متن دارای مراحل است: نخست، کارهای اولیه، که شامل ترتیب نسخه ها و ارزش گذاری و طبقه بندی آنهاست. در مرحله دوم وقتی مقدمات کار فراهم شد، نوبت به تصحیح متن می رسد. اما پیش از ورود بدین مرحله نیز از انجام کارهایی غافل نباید بود؛ مثلاً مصحح، مطالعاتی اجمالی درباره متن و موضوع آن و مؤلف و آثار او باید انجام دهد. تا در مرحله تصحیح این اطلاعات و شناخت، در رفع مشکلات، به او یاری رساند.

موضوع مهم دیگر آگاهی مصحح از روش های گوناگون تصحیح است که از عهد لاکمان بدین سوی، توسط مصححان، گزینش و معرفی شده است. لازم به یادآوری است که هیچ کاری بدون رعایت ضوابط و قواعد و انتخاب راه درست در رسیدن به مقصود و هدف، سامان نمی پذیرد. روشی که برگزیده می شود، نتیجه پیش فرض هایی است که بارها آزموده شده و در طی زمان، معایب آن زدوده و محاسن اش پذیرفته شده است؛ همین طور نقاط ضعف آن برطرف گشته و نقاط قوت اش باقی مانده است و در پایان تبدیل به قاعده های محکمی شده است که مراعات آن ضمن جلوگیری از تکرارها و اتلاف وقت، مطمئن ترین و قابل اعتماد ترین نسبت را در نتیجه گیری از تلاش به بار آورده است. بنابراین پیروی از اصول و اتخاذ روشی منظم و دقیق در هر کاری، علاوه بر زیبایی بخشیدن بر اثر، مشکلات زیادی را نیز از پیش پای برمی دارد. زیرا روش، حاصل تجربیات و اندوخته های فکری صاحبان عمل است که در طول سالیان متمادی صحت و اعتبار نسبی آن به اثبات رسیده است. در نتیجه، پیروی از روش صحیح در هر فنی مانع از اتلاف وقت و به هدر رفتن نیروهاست.

روش های تصحیح متن

روش انتقادی: مراد از انتقاد در این جا، انتخاب بهترین و اصلی ترین نسخه، پس از مطالعه موشکافانه و بصیرت کامل در میان نسخ موجود است. در این روش، اصلی ترین نسخه، قدیمی ترین آن از حیث تاریخ تحریر و یا کشف و اثبات نسخه ای است که به دست خود صاحب اثر تحریر شده باشد. این روش در جایی به کار می رود که از یک اثر چندین نسخه به دست آید. در این صورت نسخه مؤلف و یا نسخه مؤرخ قدیمی تر، به عنوان نسخه اساس عینا در متن خواهد آمد. متن نسخ دیگر به هیچ وجه در داخل متن آورده نخواهد شد و تنها به عنوان نسخه بدل از آن ها استفاده خواهد شد. مگر در جایی که نسخه اساس، افتادگی، پوسیدگی و یا صد در صد ناخوانایی داشته باشد. در این روش، اگر مؤلف، نسخه ای بدست خود نوشته باشد و این مطلب برای مصحح با دلایل آشکار ثابت شده باشد، همان، نسخه اساس خواهد بود. کشف این مطلب از طریق رؤیت امضای مؤلف است. در غیر این صورت، یعنی فقدان امضا، موضوع اثبات تعلق نسخه به مؤلف مشکل خواهد بود و تأمل کافی لازم دارد.

در صورتی که نسخ متعدد مکتوب از خود مؤلف وجود داشته باشد، آخرین نسخه او می بایست نسخه اساس قرار بگیرد. در هر حال پس از انتخاب نسخه اساس مصحح حق ندارد هر کلمه ای را

که غلط تشخیص می دهد، حتی اگر نظر او را نسخ دیگر تایید کنند، تغییر دهد. بلکه تنها می تواند موارد اختلاف را در پایین نشان دهد.

روش التقاطی: در این روش، مصحح، نسخه قدیمی تر را به عنوان نسخه اساس می پذیرد، ولی هر جا تردیدی در اصالت متن احساس می کند، خود را محق می داند مطلب را از نسخه های دیگر جایگزین گرداند. این روش، گرچه شباهتی نزدیک به روش انتقادی دارد، لکن باید متوجه بود که مصحح در روش نخستین، تنها در موارد جزئی مثل سقط و قلم خوردگی و ناخوانایی و غلط مسلم آن هم با احتیاط کامل و با در نظر داشتن سلسله مراتب تاریخی نسخه بدل ها، از نسخ دیگر بهره می گرفت، در حالی که در روش التقاطی، مصحح بی توجه به موارد مذکور، در واقع از مجموع نسخ، متنی تهیه می کند. اغلب تصحیح های دانشمندان ما با این روش تصحیح شده و می شود.

روش قیاسی: درباره این روش، آراء متفاوتی ارائه شده است. برخی براین باورند مراد از قیاس، تهیه متنی است که از نتیجه مقایسه بین نسخه های متفاوت حاصل آمده است. گروهی دیگر اعتقاد دارند منظور از قیاس این است که: وقتی متن خطی هیچ یک از نسخ - یا نسخه واحد - کمکی در حل مشکل فقدان یا ناخوانایی عبارت یا کلمه نمی کند؛ تنها توسل به قیاس در دیگر عبارات مؤلف در همان کتاب یا در دیگر آثار او، در رفع ابهام و اشکال مؤثر خواهد بود. در هر دو صورت ملاحظه می شود که در این روش، تا چه حدودی ذوق و سلیقه و میزان دانش مصحح می تواند در تغییر و دگرگونی اصل متن مدخلیت داشته باشد. گفتنی است که در نسخه های منحصر به فرد، چاره ای جز تصحیح قیاسی نیست.

روش اجتهادی: در این روش مصحح بی توجه به هر نوع روش دقیق و منظم، تنها با اتکا به ذوق و سلیقه و توان علمی خویش کار تصحیح را انجام می دهد. در این روش، مصحح در هر اشکال و ناتوانی متوسل به رأی و اجتهاد خویش می شود. در واقع این نوع ویژه را که پیروانش بخصوص در گذشته کم نیستند، نمی توان روش علمی نامید بلکه هر متنی این چنین تهیه شود جز ویرانی متن مؤلف و مخدوش کردن آن سودی در پی نخواهد داشت.

روش تمثیلی: این روش، از نظر علمی نظیر روش قیاسی است. زیرا در هر دو روش مذکور، تصحیح به اتکای قیاس انجام می گیرد. با این تفاوت که در روش قیاسی، قیاس از روی آگاهی و

بصیرت مصحح است پس از آشنایی دقیق با تمامی آثار مؤلف و مراجعه مداوم به آن‌ها. همچنین کلیات اثر تصحیحی با تمامی ویژگی‌های آن در تسلط ذهن مصحح می‌باشد. در حالی که در روش تمثیلی، مصحح بدون تقبل زحمت مراجعه به کلیه آثار مؤلف، تنها به صرف مشاهده بین عبارت خوانا و ناخوانا و با بی‌حوصلگی کامل، تصحیح لازم را به عمل آورد. این روش بی‌ارزش‌ترین شیوه تلقی شده و کاملاً مردود است.

روش فاکسیمیلای و روش جامد: مراد از فاکسیمیلای، چاپ تصویری از عین نسخه خطی است. از این روش وقتی استفاده می‌شود که از یک اثر فقط یک نسخه خطی وجود داشته باشد و کسی جرأت تصحیح انتقادی را به اتکای فقط یک نسخه نداشته باشد یا به هر دلیل توانایی لازم در او نباشد. در این روش هیچ چیزی بر متن اصلی افزوده نمی‌شود و فقط مقدمه‌ای در توصیف نسخه ارائه می‌گردد. البته تهیه فهرست‌های لازم، تعلیقات و پاورقی‌ها فایده‌ها را دوچندان می‌کند. روش فاکسیمیلای با تحویل عین نسخه خطی با تمام مزایای آن، خواننده را گویی با اصل متن رویارو می‌کند. اگر فاکسیمیلای با حروف سربی، چاپ و موارد اشکال آن در پایین از طریق قیاس تصحیح شود، در واقع از روش جامد استفاده است. حسن این گونه تصحیح در این است که چون متن اصلی نیز در دست خواننده قرار دارد هر نوع اشتباه مصحح قابل رفع می‌باشد.

از روش فاکسیمیلای ای اغلب دانشمندان آلمانی و فرانسوی هنگامی که تنها یک نسخه از یک اثر را در دست دارند استفاده می‌کنند و در این صورت در تصحیح از روش قیاسی و اجتهادی بهره می‌گیرند. لکن باید متوجه بود که قیاس و اجتهاد در نظر ایشان متفاوت از استنباط اکثریت ماست. زیرا آنان هرگز به خود اجازه نمی‌دهند استنباط و ذوق و رأی خویش را مقدم بر نسخه‌ها دارند.

مرحله عملی تصحیح انتقادی: مرحله تصحیح متن کار بسیار فنی، پیچیده و روشمندی است که بیش از تمام موارد نیازمند حوصله، دقت نظر و آمادگی کافی قبلی است.

این مرحله از کار را که مرحله تصحیح باشد، محققان تشبیه کرده‌اند به تعبیه پلی که گویی باید نسخه اصیل موجود را با تمام امّ النسخ، که در واقع همان نسخه اصلی خط مؤلف کتاب بوده است ارتباط و اتصال بدهد. به هر حال مرحله تصحیح که به مثابه پل و عبور از آن است، مرحله‌ای خطیر است و زحمات و مشقّاتی را که در مرحله ضبط کشیده‌اند ممکن است در یک آن بر باد دهد و

کاری را که با آن دقت و زحمت مقدماتش فراهم گشته است، بر اثر اندک سهل انگاری و شتاب زدگی به کلی بی اعتبار و فاقد ارج و ارزش بنماید. به همین سبب، در این مرحله عبور از پل، محققان هیچ گونه شتاب و عجله را جایز نمی شمارند و با دقت و حوصله تمام، بسا که کاری را چندین سال مستمر مداوم دنبال می کنند تا به نتیجه مطلوب برسند.

در واقع مصحح کسی است که دارای شناخت کافی در حوزه تصحیح متن است. امر تصحیح تا حدودی شبیه کار مهندس یا معماری است که بنایی کهن را در جهت حفظ اصالت هنر معماری، تاریخ هویت ملی، فرهنگ و یادگارهای قومی می خواهد از آفات طبیعی مصون نگهدارد. همان طور که برای مهندس و معمار عصر نوین، در جهت ثبات و نگهداری ظاهر بنای کهن، آشنایی با پیشرفته ترین اسلوب معماری و مواد و مصالح ساختمانی و ترکیب و امتزاج آن ها با یکدیگر لازم است؛ برای مصحح نیز علاوه بر آشنایی با روش نوین تصحیح، آگاهی از کیفیت نوشته و اثر کهن ضروری است تا در بازسازی و یا بهسازی آن با پشتوانه محکم تری اقدام کند.

نکاتی که پیش از استنساخ باید بدان توجه کرد:

الف - مطالعات اجمالی در حاشیه اصلاح متن

پیش از تصحیح، انتشار و یا چاپ انتقادی هر متن کهن لازم است به نکات زیر توجه کافی مبذول گردد:

1. آیا اثر مورد توجه، قبلاً تصحیح و منتشر شده است؟ پاسخ این سوال را می توان با مراجعه به فهرست های موجود کتاب های چاپی از قبیل فهرست کتب چاپی خانابا مشار و فصل نامه های کتابخانه ملی به دست آورد. اگر نسخه ای از اثر قبلاً چاپ شده باشد. باید کیفیت تصحیح مصحح و نسخ مورد اتکای مشارالیه به دقت از زیر نظر بگذرد و با نسخه یا نسخ تازه یافته مقایسه شود. اگر کار مصحح قبلی، هم از جهت رعایت موازین تصحیح علمی و هم نسخه های قابل اعتماد، نقصی ندارد و نسخه نویافته در بین آن ها بوده و یا نظیر آن ها، فاقد اعتبار است دنبال کردن کار تصحیح مجدد بی فایده است.

2. در صورتی که نسخه نویافته از حیث قدمت و ارزش های نسخه شناختی در مقام مقایسه با نسخ منقح مصحح قبلی ترجیحاتی دارد، می توان نسخه موجود را همراه نسخه های خطی دیگر در کنار نسخه مصحح قبلی از نو تصحیح کرد. مانند برخی از دیوان های حافظ که بعد از تصحیح مرحوم قزوینی و

پیدا شدن نسخه ای کهن تر چاپ شده است و در تصحیح جدید، نسخه قزوینی نیز مدنظر مصحح اخیر قرار گرفته است.

3. در صورتی که قبلا چاپ شده اما چاپ موجود فاقد اعتبارات علمی تصحیح متن انتقادی بوده است، کوشش مجدد در تصحیح به ویژه با اتکا به نسخه کهن تر ارزشمند است.

ب - مطالعه نسخه اساسی

قبل از شروع به کار عملی تصحیح، مصحح، باید دستکم، دو یا سه بار متن اساس را مطالعه کند. این کار موجب آشنایی او به سبک نگارش، شیوه ی خط و املاي متن و کاربردهای خاص واژه ها می شود. در همین جا باید یادآور شد که تسلط مصحح به موضوع کتاب ضرورت تام دارد. زیرا ممکن است کسی در خواندن متن، راه را درست برود ولی این، به تنهایی کافی نیست؛ بسیاری از مشکلات پیش رو، در روند تصحیح متن، فقط با اتکا به همان تسلط و چیرگی مصحح بر متن قابل حل است.

در صورت حصول این شایستگی ها، آن چه در تصحیح بعدی یاور مصحح خواهد بود در نکات زیر نهفته است. پس بهتر است موارد زیر کاملا رعایت شوند:

1. مطالعه آثاری که با متن، مورد نظر، ارتباط موضوعی دارد. مانند، شروح و گزیده ها. چه بسا شروح، نسخه کاملی از اثر را هم در کنار خود داشته باشند و همین قضیه، مصحح را در فهم مطالب، کمک کرده و در رفع نقایص مفید واقع شود.

2. مطالعه آثاری که به اتکای متن تصحیحی تألیف شده است. مثلا می دانیم عیون الاخبار ابن قتیبه با تکیه بر الحیوان جاحظ تألیف یافته و الحیوان نیز بر اساس اعتماد بر البیان و التبیین، گردآوری شده است.

3. مطالعه کتاب هایی که مولف، از آن ها تغذیه کرده است. برخی از مؤلفان این منابع تغذیه را در متن کتاب خود متذکر شده اند.

4. مطالعه آثاری که در همان موضوع توسط معاصران مؤلف به نگارش درآمده است.

5. مراجعه به مراجع لغوی متعدد؛ زیرا مراجع لغوی هم در حکم مراجع اولیه محسوب می شوند.

6. توجه به مراجع علمی ویژه. در این زمینه کتاب ها از شمار خارج است. هر کتابی در موضع خود می تواند مفید تحقیق و رفع کننده مشکل باشد. مثلا در مورد دیوان شعر، مراجعه به مراجع جغرافیایی،